

کتابخوانی رضوی فراخوان داد

فراخوان شرکت در نهمین دوره این جشنواره با معرفی ۱۲ عنوان کتاب در سه رده سنی «کودک»، «نوجوان» و «جوان و بزرگسال» منتشر شد. پایگاه اطلاع‌رسانی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور این خبر را منتشر کرده و توضیح داده بر اساس دسته‌بندی سه‌گانه این جشنواره، در رده «کودک» (۴ تا ۱۲ سال) کتاب‌هایی برای متولذین ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ معرفی شده است.

در رده سنی «نوجوان» (۱۳ تا ۱۷ سال) نیز آثاری به عنوان منابع جشنواره معرفی شده است. اما در رده سنی «جوان و بزرگسال» (۱۸ سال به بالا) پنج کتاب «مهارت‌های ارتباط موثر در سیره امام رضا علیه السلام»، «فصل فیروزه»، «در عصمت: مروری بر زندگانی حضرت معصومه سلام... علیها»، «زندگانی حضرت احمد بن موسی علیه السلام شاه چراغ»، «سیره تقوی: ترجمه و توضیح چهل حدیث درباره سیره امام جواد علیه السلام» معرفی شده است. این جشنواره در دو بخش «فردی» و «خانوادگی» برگزار می‌شود که علاقه‌مندان می‌توانند با مطالعه منابع مرتبط با این بخش، در دو شیوه مکتوب و الکترونیکی در جشنواره شرکت کنند. شرکت در این جشنواره برای عموم علاقه‌مندان در تمامی گروه‌های سنی میسر است و شرکت برای عموم کتابداران علاقه‌مند، تنها در بخش الکترونیکی امکان‌پذیر است. برگزیدگان نهمین جشنواره کتابخوانی رضوی در دو سطح «ملی» و «شهرستانی» معرفی و با اهدای لوح تقدیر و هدایای نقدی از آنها تجلیل خواهد شد.

علاقه‌مندان برای دریافت فایل کتاب‌ها می‌توانند به آدرس www.razavi.ir مراجعه یا برای دریافت امانی کتاب‌های مسابقه به کتابخانه‌های عمومی سراسر کشور مراجعه کنند.

شاه ماهی آماده می‌شود



بازیگران نمایش شاه‌ماهی معرفی شده‌اند و دیگر وقتش رسیده تمرین گروه آغاز شود. بعد از امیر جدیدی، الناز حبیبی هم کنار علی شادمان، سارینا ترقی، فائزه یوسفی و پرستو معین قرار گرفته‌اند تا این نمایش برای اجرا آماده شود. این خبر را مهر منتشر کرده و توضیح داده شاه‌ماهی را رضا بهاروند کارگردانی می‌کند و قرار است اواسط اردیبهشت ساعت ۲۱ در تئاتر شهزاد به صحنه برود.

پاکدل به وقت ناپدید شدن کبوترهایم آید



نمایش «وقتی کبوترها ناپدید شدند» به کارگردانی هستی حسینی از ۱۵ اردیبهشت در تئاتر مستقل روی صحنه می‌رود و قرار است مهدی پاکدل و خاطره حاتم‌ی جزو بازیگران این نمایش باشند. به گزارش تسنیم این اثر براساس نمایشنامه سفی اکسان کارگردانی شده و ترجمه محسن ابوالحسنی از این نمایشنامه به زودی وارد بازار کتاب خواهد شد.

این برادری، تنی بود

با اشاره نخست‌وزیر پاکستان به از بین رفتن زبان فارسی در کشورش، بازار حسرت‌های مجازی ایرانی‌ها داغ می‌شود؛ ما به جای غمگساری، به چند نکته ادبی پیرامون این ماجرا پرداخته‌ایم

لازم نبود عمران خان داغ دل‌مان را تازه کند تا دوباره به مقوله اهمیت زبان در مناسبات فرهنگی مان فکر کنیم. مگر نمی‌دانستیم آنها از خودمان بوده‌اند و این برادری کاملاً تنی بوده است؟ مگر نمی‌دانستیم چه شاعرانی از ما آنجا جامانده‌اند و چه شاعرانی از آنها فارسی را قوام بخشیده‌اند کنار فردوسی و سعدی و دیگران ما؟ چه چیزی از حرف‌های عمران خان، نخست‌وزیر پاکستانی‌ها تا زگی داشته که حالا رگ حسرت تاریخی‌مان یاد کرده است؟ ماجرا از این قرار است که مقام اول کشور پاکستان هم‌مان ما بود و در دیدار با حسن روحانی، رئیس‌جمهور حرف‌هایی زده که البته این حرف‌ها از پخش زنده تلویزیونی هم جامانده است به خاطر وقت اذان. ظاهراً او گفته که «اگر انگلیسی‌ها اطراف سال ۱۸۰۰ به هند نمی‌آمدند ما الان داشتیم فارسی صحبت می‌کردیم و نیازی به مترجم نبود. چون همه ما قبلاً فارسی حرف می‌زدیم». این رایکی از کاربران توییتر که ظاهراً در نشست خبری حاضر بوده، توییت کرده است و البته ما نتوانستیم تاییدی برای صحت آن اخذ کنیم. به هر حال همین توییت می‌تواند حاشیه‌هایی ایجاد کند. ما در این گزارش کوتاه سعی کرده‌ایم به جای واسفایی تاریخی، درباره این مقوله کمی چرخ‌تاییم تا ببینیم سر از کجاها درمی‌آوریم؛ از زبان فارسی در پاکستان، از بزرگراه محمدعلی جناح پاکستانی در تهران و چند حاشیه و متن دیگر.

گروه

ادبیات و هنر

عزت شبه قاره



عمران خان که به تهران آمده بود، به دیدار رهبر انقلاب هم رفت. حضرت آیت‌... خامنه‌ای همچنان که سنوات پیشین درباره قرابت فرهنگی و زبانی ایران و پاکستان سخن گفته بودند، این بار هم در دیدار با نخست‌وزیر پاکستان با اشاره به ریشه‌های تاریخی ارتباطات و فرهنگ دو ملت در این باره گفته بودند؛ اوج عزت و شکوه شبه قاره هند در دوران حکومت مسلمانان بر آن بوده است و بزرگ‌ترین ضربه استعمارگران انگلیسی به این منطقه مهم، نابود کردن تمدن برجسته اسلامی در آن بود.

آیا سرود ملی پاکستان فارسی است؟

در یکی از کامنت‌هایی که زیر توییت مورد اشاره منتشر شده، آمده که در سرود ملی پاکستان فقط از يك كلمه غیرفارسی استفاده شده است. عرض کردیم که باید منتظر واسفایی تاریخی- فرهنگی برخی کاربران داغ‌تر از آتش باشیم. بله، درست است که آنها هم می‌توانستند هنوز به فارسی ما سخن بگویند و درست است که عمران خان می‌توانست بدون مترجم روبه‌روی حسن روحانی بنشیند، اما اغراق همیشه کار را خراب می‌کند. می‌خواهیم بگوییم این حسرت بزرگی است؟ خوب، درست است اما مبالغه، حقانیت این حقیقت را مخدوش می‌کند. ظاهراً واژه‌ای که از آن به عنوان تنها واژه غیرفارسی سرود ملی پاکستان یاد شده، «کا» است، غافل از این‌که این، تنها واژه غیرفارسی این سرود نیست و کلی واژه عربی در متن دیده می‌شود. خودتان بشمرید: «کشور حسین شاد باد / پاک سرزمین شاد باد / ارض پاکستان! تو نشان عزم عالی‌شان / مرکز یقین شاد باد / قوت اخوت عوام / پاک سرزمین کا نظام / پاینده باد باد / قوم، ملک، سلطنت / شاد باد منزل مراد / رهبر ترقی و مراد / پرچم ستاره و هلال / جان استقبال! ترجمان ماضی‌شان حال / سایه‌خدايي ذوالجلال.»

محمدعلی جناح

از کراچی تا میدان آزادی تهران

اما پیش از این‌که ابوالاثر سرود مورد اشاره را بنویسد و احمد غلام علی چهاگله برای آن موسیقی بسازد و بشود سرود ملی پاکستان، این کشور دو سرود ملی دیگری را تجربه کرده بود. یکی از این سرودها البته چندین رسمیتی نداشت؛ کشور تازه‌مستقل شده بود و هنوز سرودی آماده نکرده بودند. هر وقت پرچم‌ها را بالا می‌بردند می‌خواندند: «پاکستان زنده باد، آزادی پاینده باد». اصلاً بهتر است بگوییم این فقط يك شعاع است. اما نخستین سرود رسمی پیش از سرود کنونی را کسی نوشته بود که برای تهرانی‌ها نامی کاملاً آشناست: محمدعلی جناح. حتماً تا حالا شده يك بار بالا و پایین‌اش کرده‌اید! بزرگراه معروف غرب تهران را می‌گوییم که نسخه شمال به

فارسی حرف می‌زدند، حالا چی؟

حالا این حرف‌های عمران خان یادمان انداخته که جست‌وجویی کنیم که فارسی آنها چگونه بوده، چه از آن به جا مانده و حالا کجاها پاکستان، فارسی حرف می‌زدند.

در این باره می‌خوانیم:

زبان فارسی در شبه قاره جنوب آسیا دست‌کم هشت تا ۹ سده پیشینه دارد. در پاکستان هم که در روزگار گسترش تمدن فارسی‌زبانان مسلمان در شبه قاره به وجود آمد تا سده سیزدهم هجری، زبان فارسی به مدت هفت سده سوابق رسمی، علمی، ادبی، و اداری داشته است. پس از ربع نخست سده یازدهم میلادی بیشتر نواحی که امروز به پاکستان موسوم است به دست سلطان محمود غزنوی فتح شد و به پادشاهی غزنین پیوست و شهر بزرگ لاهور، کرسی استان‌های فتح شده قرار گرفت. خانواده‌های فارسی‌زبان از سرزمین‌های گوناگون پادشاهی غزنین مهاجرت کرده و وارد سرزمین پاکستان شده و در نواحی مختلف اقامت گزیدند.

در طول سالیان دراز از آمیزش این زبان‌ها با هم و با زبان محلی مردم، زبان اردو فراگیر شد. اردو يك واژه ترکی به معنی لشکر است و بیانگر زبانی است که در میان سربازان رایج شد. اردو از فارسی نه تنها نام‌واژه‌ها و صفت‌ها را گرفته است بلکه حرف‌ها و قیده‌ها، پیشوندها و پسوندها، امثال و حکم، استعارات و تشبیهات و نیز تمثیلات و

رها کنید تو را به خدا این ایرانی‌بازی افراطی را... این فارسی‌بازی رادیکال را. تازه اگر درست بود و این متن با افتخار همه‌اش فارسی بود، می‌شد به تحلیل این اشاره‌ها نشست، حالا که نیست. راستی، چند سال پیش، يك شاعر ایرانی نوشته بود: «من هر چه درد می‌کنم از فارسی ست.» **شاعر این سرود کیست:** سرود ملی که درباره‌اش حرف زدیم، یعنی سرود کنونی پاکستانی‌ها را ابوالاثر نوشته است؛ شاعری اهل لاهور که البته نام شناسنامه‌ای‌اش حفیظ جالندهری است و خالق «شاهنامه اسلام». او هم مثل دیگر شاعران اردونویس، بیشتر به غزل پایبند بود و از این قوالب کهن شعر فارسی، به غزل بیشتر ارادت داشت. از طرفداران جنبش پاکستان محسوب می‌شد، جنبشی که به استقلال این کشور از ایالات شمال غربی هند منجر شد. البته شاخص‌ترین اثر کارنامه او، همین سرود ملی کنونی کشور پاکستان است که به «قومی ترانه» معروف است.

جنوب و برعکس‌اش روزانه کلی خودرو را از آزادی به آریاشهر می‌برد و برمی‌گرداند. البته این‌که ما اسم یکی از بزرگراه‌های مهم پایتخت را گذاشته‌ایم محمدعلی جناح، هیچ ربطی به سرودی که او برای کشورش نوشت ندارد. می‌دانیم که او برای استقلال پاکستان تلاش کرد و نهایتاً او را به عنوان بنیانگذار کشور پاکستان می‌شناسیم. نام او هم‌ردیف مهاتما گاندی و جواهر لعل نهرو در آسیا مطرح می‌شود و عکس‌هایی که از این سه باقی مانده، تصاویری دیدنی و تاریخی هستند. این را هم بگوییم شعری را که او به عنوان سرود ملی نوشته بود مدتی بعد عوض کردند و از سرود ابوالاثر که حرفش را زدیم استفاده کردند. می‌گفتند چون سرود او پایه مذهبی نداشته عوض کرده‌اند.

تلمیحات فارسی در اردو راه یافته است. شاعران اردو تنها در مطالب و محتویات و قالب شعری تحت تأثیر شعر فارسی قرار نگرفته‌اند بلکه در وزن شعر کاملاً از عروض فارسی تقلید کرده‌اند همه بحور با همه زحافات از فارسی به اردو انتقال یافت و عروض فارسی علت دیگری برای فراوانی واژه‌های فارسی در اردو شد.

تا مدتی پیش در بخش‌هایی از پاکستان و به ویژه در شهر پیشاور اهالی شهر فارسی حرف می‌زدند ولی به مرور زمان فارسی از خانه‌های مردم شهر رخت برپست.

در گوشه و کنار شهرهای مختلف پاکستان سنگ‌نیشته‌ها و لوحه‌هایی به زبان فارسی به چشم می‌خورد، شعرخوانی و فارسی‌سرایی نیز در این کشور رواج دارد. غالباً مردم پاکستان در جریان گفت‌وگو به زبان اردو، برای دلیل محکم در گفتار خود، شعر یا ضرب‌المثل فارسی را شاهد می‌آورند.

افزون بر شاعران و نویسندگان فارسی‌پاکستانی، شمار زیادی از سیاستمداران و هنرمندان آوازه‌خوان در پاکستان وجود دارند که به زبان فارسی صحبت می‌کنند.

شمار دانش‌آموختگان پاکستانی رشته زبان و ادبیات فارسی بیشتر از همه کشورها، به جز ایران است.

